یادداشت

چگونه پانسیون برای زنان از یک سرپناه موقت به خانه‌ای همیشگی بدل شد؟

خانه‌ای به اندازه یک تخت

حنانه شهسواری
پژوهشگر شهری

در ادبیات اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی شهری، بازار اجاره‌نشینی همواره نخستین آینه‌ای است که شکاف‌های طبقاتی، دگرگونی‌های جمعیتی و شیوه بازتولید نابرابری در یک جامعه را بازتاب می‌دهد. در کلان‌شهر تهران، بحران ساختاری مسکن طی سال‌های اخیر فقط به افزایش نجومی قیمت‌ها یا عقب‌نشینی به حاشیه‌های دوردست محدود نمانده، بلکه فرم‌ها و الگوهای نوینی از سکونت اضطراری را پدید آورده است. در میان این دگرگونی‌ها، گسترش «پانسیون‌ها» یکی از برجسته‌ترین و در عین حال ناشناخته‌ترین گونه‌های مسکن استیجاری معاصر است؛ پدیده‌ای که برخلاف تصور سنتی، دیگر صرفا یک پاسخ مقطعی به نیازی موقت نیست، بلکه به بخشی تثبیت‌شده و پایدار از نظام سکونتی پایتخت تبدیل شده است.

تصور عمومی و حتی برداشت غالب در میان سیاست‌گذاران اجتماعی، همواره پانسیون یا خوابگاه خودگردان را به‌مثابه یک «فضای گذرا و تعلیقی» صورت‌بندی کرده است؛ مکانی لیمینال (برزخی) که برای یک دوره کوتاه چندماهه یا حداکثر چند ترم تحصیلی تعریف می‌شد. در این تصویر کهن‌الگویی، پانسیون سرپناهی موقت برای دانشجوی تازه‌وارد یا کارآموزی بود که به تهران مهاجرت کرده تا پس از یافتن شغلی باثبات و جمع‌آوری اندکی پس‌انداز، چمدانش را ببندد و وارد بازار مسکن مستقل و اجاره یک واحد مسکونی شود. اما واقعیت میدانی امروز، انقطاعی عمیق از این تعریف تاریخی را نشان می‌دهد. اکنون با جمعیتی مواجهیم که نه دانشجو هستند و نه در دوران گذار شغلی به سر می‌برند؛ نیروهای متخصص، شاغلان در موقعیت‌های حرفه‌ای و دارای استقلال اقتصادی که نه‌تنها زیر بار جاماندگی تاریخی دستمزدها از جهش‌های سرسام‌آور اجاره‌بها، بلکه تحت تاثیر محدودیت‌ها و موانع ساختاری و جنسیتی در دسترسی به مسکن مستقل و امن، راهی جز تداوم زیست در این فضاها نیافته‌اند. برای بسیاری از این ساکنان، اقامت در پانسیون از یک دوره گذار کوتاه‌مدت به زیستی دائمی و مستمر بدل شده است؛ وضعیتی که در آن مفهوم «اقامتگاه موقت» فروریخته و پانسیون عملا به «سکونتگاه دائمی» آنان تغییر هویت داده است.

هم‌راستا با این دگرگونی کارکردی، جغرافیای استقرار این فضاها نیز دستخوش یک وارونگی بنیادین شده است. در دهه‌های گذشته، کانون سنتی پانسیون‌ها و خوابگاه‌ها در مناطق مرکزی شهر (مانند مناطق ۶ و ۱۱، خیابان انقلاب، کارگر و بلوار کشاورز) مستقر بود؛ جایی که به دانشگاه‌های بزرگ، مراکز اداری قدیمی و پایانه‌های حمل‌ونقل شهری دسترسی مستقیم داشت. اما در سال‌های اخیر، موج گسترده‌ای از راه‌اندازی این اقامتگاه‌ها به سمت شمال و شمال غرب تهران، به‌ویژه مناطق ۱ و ۲ (مانند سعادت‌آباد، میرداماد، جردن، پاسداران و نیاوران) سرازیر شده است. این جابه‌جایی فضایی، حاصل تلاقی منافع سمت عرضه و نیازهای ساختاری سمت تقاضاست.

از یک سو، برای مالکان خانه‌های ویلایی و آپارتمان‌های قدیمی در بافت شمال شهر، بازدهی اجاره‌داری سنتی به یک خانوار به‌شدت افت کرده است. تفکیک این املاک به اتاق‌های پرتعداد و عرضه فضا بر مبنای «واحد تخت»، درآمدی چندبرابری خلق می‌کند؛ مدلی تجاری که بحران مسکن را قطعه‌قطعه کرده و در قالب تخت‌های اجاره‌ای با حاشیه سود سرشار واگذار می‌کند. چنان‌که طبق گزارش جدید اکوایران، میانگین هزینه اقامت روزانه در این اقامتگاه‌ها به حدود ۴۵۵ هزار تومان رسیده است؛ رقمی که در مقیاس ماهانه -یعنی هزینه‌ای نزدیک به ۱۴ میلیون تومان صرفا برای اجاره یک تخت- از یک سو منطق سودآوری بالای این بازار غیررسمی را توضیح می‌دهد و از سوی دیگر، نشان می‌دهد متقاضیان حتی برای زیست در چنین فضاهای حداقلی ناچار به پرداخت ارقامی معادل بخش عمده دستمزد خود هستند. از سوی دیگر، متقاضیان این فضاها -به‌ویژه زنان شاغل و مستقل- فقط بر مبنای هزینه ماهانه دست به انتخاب نمی‌زنند؛ متغیر «امنیت محیطی» در انتخاب آنها نقشی حیاتی دارد. محلات پیرامونی و ارزان‌تر شهر به دلیل ضعف زیرساخت‌های شهری، روشنایی ناکافی معابر و فقدان امنیت اجتماعی در ساعات پایانی شب، هزینه‌های روانی و اجتماعی سنگینی به یک زن تنها تحمیل می‌کنند. در نتیجه، این گروه ناچار می‌شوند برای خرید «امنیت محیطی در بیرون»، از «کیفیت و حریم خصوصی مسکن در درون» چشم‌پوشی کنند و تن به سکونت دائمی در بافت‌های توسعه‌یافته بدهند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید


عکس: محمدسعید سعیدی، فارس

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد شمار درخور توجهی از زنان سرپرست خانوار کشور گرفتار فقر گسترده مسکن هستند

نیمه نادیده

شرق: شمار درخور توجهی از زنان مستأجر، گرفتار فقر گسترده هستند. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که زنان کشور، نه‌تنها از نظر درآمد و سهم از بازار کار زیر فشار هستند، بلکه در بازار مسکن جزء فقیرترین اقشار به شمار می‌آیند. گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد نرخ مشارکت زنان ایران در بازار کار فقط از عراق بالاتر بوده و برابر با افغانستان و پایین‌تر از عربستان و پاکستان است. از آن سو، بر اساس گزارش مرکز آمار، نرخ مشارکت زنان ایران در بازار کار حدود یک‌پنجم مردان است و از جمعیت نزدیک به ۱۴ میلیون نفری ایرانیان دارای شغل ثابت، تنها حدود دومیلیون و ۲۰۰ هزار نفر را زنان تشکیل می‌دهند. سهم اندک زنان از بازار کار کشور از یک سو و نرخ‌های افسارگسیخته در بازار مسکن از سوی دیگر، سبب شده است بسیاری از زنان سرپرست خانوار فقر تکان‌دهنده مسکن را تجربه کنند. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از تشدید فقر مسکن زنان سرپرست خانوار حکایت دارد و پژوهشی دیگر از اجاره‌نشینی حدود نیمی از زنان سرپرست خانوار و بدمسکنی نیمی دیگر گزارش می‌دهد.

سهم ناچیز زنان از بازار کار

بازار کار کشور برخلاف تصور عمومی هنوز مطلوب زنان نیست. گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد نرخ مشارکت زنان ایران در بازار کار فقط از عراق بالاتر بوده و برابر با افغانستان و پایین‌تر از عربستان و پاکستان است. از آن سو، داده‌های مرکز آمار گویای آن است که از جمعیت حدودا ۱۴ میلیون نفری ایرانیانی که شغل ثابت دارند، فقط در حدود دومیلیون و ۲۰۰ هزار نفر زن هستند. همچنین بر اساس اعلام بانک جهانی، نرخ مشارکت زنان ایران در بازار کار عدد کمتری برای نرخ مشارکت زنان در بازار کار قائل بوده و آن را حدود ۱۴ درصد می‌داند، اما همین عدد بانک جهانی هم به‌خوبی گویای وضعیت نامطلوب اشتغال زنان ایرانی است. داده‌های بانک جهانی حاکی از آن است که نرخ مشارکت زنان کشورهای مسلمان و خاورمیانه در بازار کار، کمترین رقم در جهان است و در این میان، نرخ مشارکت زنان ایرانی در بازار کار از بسیاری از کشورهای مسلمان و خاورمیانه پایین‌تر است.

این در حالی است که واحد امور زنان و خانواده وزارت کشور اعلام کرده است ۶۲ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، زنان هستند و معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست‌جمهوری نیز گزارش داده است که بیشتر از یک‌چهارم زنان کشور تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند. با این حال، سهم اندک زنان از بازار کار کشور در شرایطی گزارش می‌شود که مسکن بخش بزرگی از درآمد خانوار را می‌بلعد و بسیاری از خانوارهای کشور گرفتار فقر مسکن هستند. در این میان، شاید بتوان گفت یکی از بدترین وضعیت‌ها را زنان سرپرست خانوار و زنان مستأجر تجربه می‌کنند.

زنان سرپرست خانوار و چالش درآمد

در همین زمینه، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که با بررسی محمدرضا عبداللهی و عطیه عرب تهیه شده است، قید می‌کند: «خانوارهای زن‌سرپرست بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۸.۴ درصد کل خانوارهای کشور را تشکیل می‌دادند، اما در سال‌های اخیر رشد قابل توجه داشته و بر مبنای سرشماری سال ۱۳۹۵ از ۱۲ درصد عبور کرده‌اند». در این گزارش، با تاکید بر شمار بالاتر جمعیت فقرا میان زنان، توضیح داده می‌شود: «بررسی‌ها نشان می‌دهد فقر در زنان به میزان بیشتری نسبت به مردان وجود دارد. در آمریکا، دوسوم افراد فقیر بالای ۱۶ سال را زنان در بر می‌گیرند و البته در روندی فقر در بین زنان افزایش یافته است؛ به‌خصوص برای زنان سرپرست خانوار. هرچند زنانه‌شدن فقر در کشورهای توسعه‌یافته رو به کاهش بوده، اما همچنان این موضوع در کشورهای درحال‌توسعه چالش است». در گزارش، مرکز پژوهش‌های مجلس به عمده دلایل سرپرست خانوار شدن زنان در ایران اشاره کرده و توضیح می‌دهد: «بیوه‌شدن (فوت همسر) بیشترین علت زن‌سرپرست‌شدن خانوارها با ۷۹ درصد است. ۹ درصد زنان سرپرست خانوار متأهل هستند و علت سرپرست خانوار شدن آنها می‌تواند بیکاری، ازکارافتادگی، اعتیاد یا مسائل دیگر از جانب مردان خانواده باشد و سومین دلیل زن‌سرپرست‌شدن خانوارها در کشور طلاق است؛ به‌طوری که هشت درصد از زنان سرپرست خانوار مطلقه هستند و کمترین سهم یعنی چهار درصد به افرادی مربوط است که هرگز ازدواج نکرده‌اند». پژوهشگران همچنین قید می‌کنند که «بیش از ۵۸ درصد از خانوارهای زن‌سرپرست را زنان بی‌سواد اداره می‌کنند و حدود ۴۰ درصد از خانوارهای باقی‌مانده را زنانی با تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم مدیریت می‌کنند و کمتر از سه درصد زنان سرپرست خانوار تحصیلات دانشگاهی دارند». بر مبنای این گزارش، شمار درخور توجهی از زنان سرپرست خانوار، مستمری ماهانه ندارند. در این گزارش آمده است که «بر اساس نتایج طرح هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰، زنان سرپرست خانوار دارای مستمری ۳۷ درصد بودند و در مقابل آن ۶۳ درصد از زنان سرپرست خانوار مستمری‌ای در ماه دریافت نمی‌کنند». در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره علت بالاتربودن میزان فقر در جمعیت زنان توضیح داده می‌شود: «به‌طور کلی خانوارهای با سرپرست زن از خانوارهای با دو سرپرست زن و مرد فقیرتر هستند؛ چراکه سطح درآمد این دسته خانوار کاهش داشته و گاهی باید از تعداد وابستگان بیشتری حمایت و نگهداری کنند. در این‌گونه خانوارها، زنان باید علاوه بر کسب درآمد، وظیفه سروسامان‌دادن به امور خانواده و نگهداری از کودکان را بر عهده بگیرند و در چنین شرایطی، زنان سرپرست خانوار، از سویی وقت و انرژی کمتری برای امور خارج از خانه دارند و از سوی دیگر، نقش بازتولیدی زنان، آنها را به کار پاره‌وقت، انعطاف‌پذیر با اشتغال خانگی مجبور می‌کند یا اینکه زنان سرپرست خانوار را ناچار می‌کند در بخش‌های غیررسمی بازار مشغول شوند. زمانی که سرپرست خانوار به جای دو نفر، یک نفر باشد و در بخش غیررسمی بازار در شغل‌های کم‌ارزش‌تر و با دستمزد کمتر اشتغال داشته باشد، باید انتظار داشت که زنان سرپرست خانوار با فقر گسترده‌تری دست‌وپنجه نرم کنند». در این گزارش به مشکل فقر مسکن زنان سرپرست خانوار اشاره شده و تاکید می‌شود که اجاره خانه و هزینه تامین مسکن بخش زیادی از دستمزد زنان سرپرست خانوار را می‌بلعد و فقر آنها را تشدید می‌کند.

زنان سرپرست خانوار گرفتار فقر مسکن

همچنین ژاله شادی‌طلب، دیگر پژوهشگر، در مقاله‌ای با عنوان «فقر درآمدی» به فقر زنان سرپرست خانوار با نمونه مطالعاتی ۲۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار شهر اراک پرداخته است. براساس یافته‌های او، مهم‌ترین دغدغه این زنان، مسکن است. این پژوهش حاکی از آن است که ۴۱ درصد زنان سرپرست خانوار در منزل اجاره‌ای زندگی می‌کنند و یک‌سوم در منزلی سکونت می‌کنند که متعلق به خانوار (پدر، فرزندان، شوهر فوت‌شده) است و البته وضعیت مسکن این گروه هم نامطلوب است و آنها وضعیت بسیار بد ساختمان مسکونی، مخروبه‌بودن آن، سقف در حال ریزش و... را گزارش می‌دهند. با این حال، باید گفت که گزارش‌های به‌روز و پژوهشی چندانی درباره وضعیت مسکن زنان سرپرست خانوار در ایران وجود ندارد، اما در همین گزارش‌های محدود و البته قدیمی نیز به وفور به گسترش فقر مسکن زنان اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال، در مقاله دیگری با عنوان «توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه خانه‌دار در مناطق بیست‌ودوگانه تهران» که در سال ۱۳۸۶ در فصلنامه رفاه اجتماعی منتشر شده، به تشدید فقر مسکن زنان مطلقه تهران اشاره شده است و مقاله توضیح می‌دهد که در این پژوهش، فقر در مناطق بیست‌ودوگانه تهران براساس دو شاخص درصد زنان مطلقه خانه‌دار و درصد خانوارهای چهارنفر به بالای ساکن در یک اتاق بررسی شده و با نرم‌افزار GIS، نقشه‌های آن ترسیم شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند دو شاخص «درصد خانوارهای چهارنفره و بالاتر ساکن در یک اتاق» به‌عنوان معیار فقر مسکن و «درصد زنان مطلقه خانه‌دار» در مناطق مرکزی و جنوب شهر تهران بیش از سایر مناطق تراکم دارند. در این مقاله پژوهشگران تاکید می‌کنند که یکی از راهکارهای کاهش فقر و محرومیت، لزوم دخالت دولت در تأمین مسکن و توجه ویژه در زمینه احداث مساکن مناسب برای گروه‌های کم‌درآمد با تاکید بر زنان مطلقه خانه‌دار است. با این حال، تاکنون هیچ سیاست مشخصی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار فاقد مسکن وجود نداشته و دولت این گروه از اقشار آسیب‌پذیر را در اولویت طرح‌ها و سیاست‌های خود در زمینه تأمین مسکن مناسب قرار نداده است.

نگاه

نگاهی به یک چالش در اقتصاد سیاسی شهر

اعیان‌سازی چگونه ساکنان را بیرون می‌راند؟

سیدعلی جلالی
پژوهشگر شهرسازی

فرض کنید سال‌ها در محله‌ای زندگی کرده‌اید که چندان مورد توجه نبود؛ خانه نسبتا ارزان بود، مغازه‌های محلی مشتری‌های خودشان را داشتند، همسایه‌ها یکدیگر را می‌شناختند و اگرچه محله شاید فرسوده بود، زندگی در آن ممکن بود. بعد، آرام‌آرام همه چیز تغییر می‌کند؛ کافه‌ای جدید باز می‌شود، خانه‌های قدیمی مرمت می‌شوند، فضای فرهنگی تازه‌ای شکل می‌گیرد، خیابان سامان می‌یابد و نام محله بیشتر شنیده می‌شود. آدم‌های تازه‌ای از راه می‌رسند؛ معمولا جوان‌تر و برخوردارتر. در نگاه اول، همه چیز شبیه یک داستان موفقیت شهری است؛ محله «زنده شده»، سرمایه‌گذاری افزایش یافته و کیفیت فضا بهتر شده است. اما چندی بعد، همان خانواده‌ای که مدت‌ها در آن محله زندگی کرده، دیگر نمی‌تواند اجاره خانه‌اش را بپردازد. صاحبخانه می‌گوید قیمت منطقه بالا رفته و اجاره باید با «ارزش روز» هماهنگ شود. خانواده خانه را ترک می‌کند و به محله‌ای دورتر می‌رود؛ جایی که شاید ارزان‌تر باشد، اما از محل کار، مدرسه، خویشاوندان و شبکه اجتماعی‌اش فاصله دارد. محله بهتر شده است، اما برای کسی که مجبور شده آن را ترک کند، این «بهبود» چه معنایی دارد؟

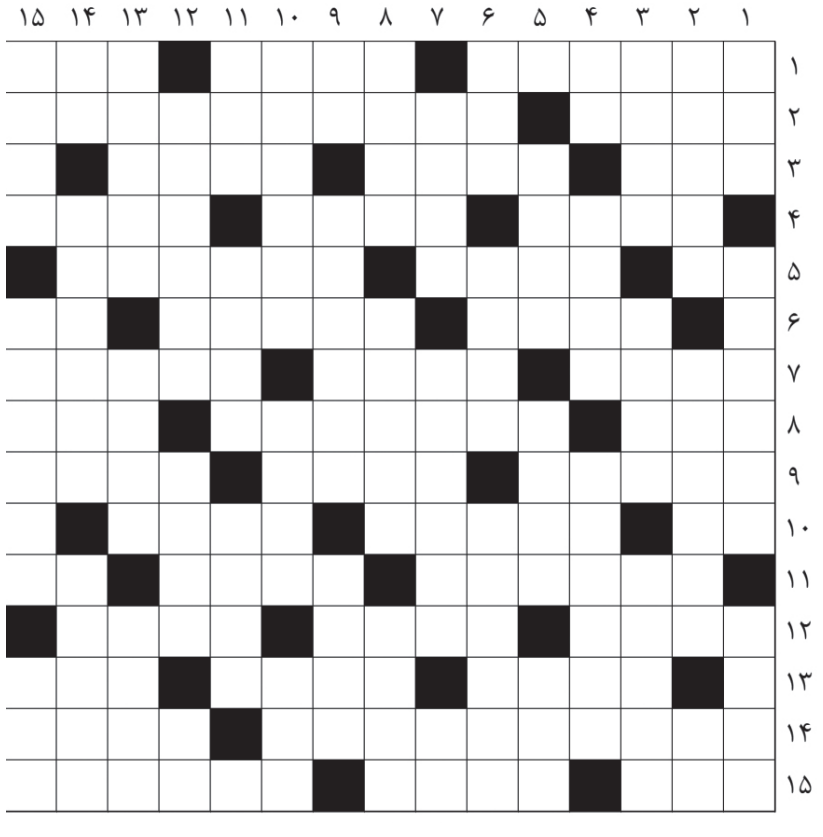
این همان نقطه‌ای است که باید درباره اعیان‌سازی حرف زد؛ نه به‌عنوان تغییر ساده ترکیب جمعیتی یک محله، بلکه به‌عنوان مسئله‌ای در اقتصاد سیاسی شهر. اقتصاد فقط مجموعه‌ای از قیمت‌ها و معاملات نیست؛ در بستر روابط قدرت عمل می‌کند. بنابراین وقتی از اقتصاد سیاسی مسکن حرف می‌زنیم، باید پرسید چه کسی مالک زمین و ساختمان است، چه کسی درباره آینده یک محله تصمیم می‌گیرد، چه کسی از افزایش ارزش زمین سود می‌برد و چه کسی هزینه این افزایش ارزش را با اجاره بیشتر، ناامنی سکونتی و در نهایت ترک محل زندگی خود می‌پردازد. مسکن از همین‌جا به یکی از سیاسی‌ترین کالاهای اقتصاد شهری تبدیل می‌شود. خانه برای ساکن، محل زندگی، امنیت، خاطره و شبکه روابط اجتماعی است؛ برای مالک می‌تواند دارایی، منبع درآمد و ذخیره ارزش باشد؛ برای بانک وثیقه و برای سرمایه‌گذار منبع بازده. مسئله از جایی آغاز می‌شود که ارزش خانه به‌عنوان دارایی اقتصادی بر ارزش آن به‌عنوان محل زندگی غلبه کند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

جدول ۵۴۲۶ طراح: بیژن گورانی

افقی:
۱- شیشه ایمنی- تکاپوی بی‌حاصل- غزوه پیامبر(ص) با مشرکان مکه ۲- شیرینی محبوب فرانسه و بلژیک- تابلویی زیبا اثر هنرمندانه سالوادور دالی ۳- شاهزاده‌ای در سریال افسانه جومونگ- روستا- پدر افراسیاب در شاهنامه ۴- قبل از ورزش- از محلات غرب تهران- راه خارج شهر ۵- چه کسی- همسایگی- موزیسین ژاپنی و خالق قطعه معروف جاده ابریشم ۶- از ابزار حفاری- نوعی چسب نجاری- رایحه ۷- نزاع- سازی زخمه‌ای- مخفی ۸- نوعی شناور که از به‌هم‌بستن چند قطعه چوب یا الوار ساخته می‌شود- شهری در شهرستان ارومیه- بی‌فایده ۹- دنباله- غریبه کوچک سینما- بیستمین سوره قرآن ۱۰- تعجب زنانه- سرزمین افراسیاب- آسان ۱۱- پیامبر مدفون در شوش- عنصری از گروه گازهای نجیب- مخفف مشهدی ۱۲- درخشنده‌رو- از القاب حضرت فاطمه(س)- کوه آتشفشانی ایتالیا ۱۳- پودر دستگاه پرینتر- حالتی در نخستین ماه‌های حاملگی- آخرین دندانی که انسان درمی‌آورد ۱۴- رمان هفت‌جلدی نوشته نادر ابراهیمی- هدف تیراندازی ۱۵- آزاد- غیرممکن- دارایی شخصی

عمودی:
۱- صفیر- جست‌وجوگر- کمربند مسیحیان ۲- گیاهی علفی و خودرو با مصرف دارویی- عاشق- انتها ۳- فراوانی- برادر شیرازی- رشوه‌خواری ۴- فرمان اتومبیل- باشکوه- نوبت به نوبت ۵- ارتش قدیم- مقابل عمدی- پشیمانی ۶- از ارزهای دیجیتال- اعلان- از الحان باربدی ۷- غیر از مورد قبلی- میوه‌ای هسته‌دار- بوی رطوبت ۸- فراموشکار- درجه فرمانده گروهان- امتلاء معده ۹- امر به گفتن دارد- بر سر میز صبحانه بیابید- تازه زایمان کرده ۱۰- از پوشیدنی‌های پا- پیشرفته- همسر حوا ۱۱- جانور غیراهلی- عطشان- بر مرکب نشسته ۱۲- نوشته پایان کتاب- سرشت و نهاد- ویتامینی که در بدن ذخیره نمی‌شود ۱۳- مجروح- به پارچه می‌زنند تا براق شود- از نام‌های بهشت ۱۴- لذت و خوشی- لباس کشتی‌گیر- پیشین ۱۵- از ابزار زراعی- بازبینی نوشته- غذایی بوشهری از گندم



حل سودوکو ۴۴۲۱

۶	۸	۵	۲	۹	۳	۴	۷	۱
۳	۷	۴	۵	۸	۱	۹	۲	۶
۲	۱	۹	۴	۷	۶	۵	۳	۸
۸	۹	۲	۷	۳	۴	۶	۱	۵
۷	۳	۶	۸	۱	۵	۲	۹	۴
۵	۴	۱	۹	۶	۲	۷	۸	۳
۹	۶	۷	۳	۵	۸	۱	۴	۲
۱	۲	۸	۶	۴	۷	۳	۵	۹
۴	۵	۳	۱	۲	۹	۸	۶	۷

۷	۵	۶	۸	۳	۹	۱	۴	۲
۱	۳	۸	۶	۴	۲	۷	۵	۹
۴	۲	۹	۵	۱	۷	۳	۸	۶
۸	۴	۷	۳	۲	۶	۹	۱	۵
۶	۹	۲	۱	۵	۴	۸	۳	۷
۵	۱	۳	۷	۹	۸	۲	۶	۴
۹	۶	۵	۲	۸	۱	۴	۷	۳
۳	۸	۴	۹	۷	۵	۶	۲	۱
۲	۷	۱	۴	۶	۳	۵	۹	۸

حل جدول ۵۴۲۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	س	ت	غ	ن	ا	■	س	ن	چ	■	ب	ق	ر	ه
۲	س	ت	ا	ر	■	ب	ل	ب	ش	و	■	ا	ص	و	ل
۳	ت	■	ب	ق	ا	ی	ا	■	و	ی	ت	ر	ا	ی	■
۴	و	ت	و	■	د	ا	م	پ	ر	■	ط	ی	ب	ا	ت
۵	ن	ا	■	م	ا	ر	پ	ل	■	ه	ا	د	ی	■	ه
۶	■	ب	ر	ب	ر	ی	■	ه	ا	ر	و	ن	■	خ	ا
۷	ل	س	ا	ن	ی	■	م	ف	ت	و	ل	■	ه	ر	ت
۸	ا	ت	ق	ا	■	م	ح	ت	و	ی	■	م	ی	س	ر
۹	ل	ا	م	■	و	ی	ل	چ	ر	■	ض	ر	ب	ت	ی
۱۰	ج	ن	■	د	ر	و	ی	ش	■	ف	ر	و	ت	ن	■
۱۱	ی	■	د	ی	د	ه	■	م	ک	ر	و	ه	■	ب	س
۱۲	ن	ا	م	و	س	■	م	ه	ج	و	ر	■	و	ل	ا
۱۳	■	س	ی	ا	ت	ی	ک	■	و	ز	ی	د	ن	■	ب
۱۴	ل	و	د	ر	■	و	ا	گ	ر	ا	■	ر	و	ا	ل
۱۵	ب	د	ن	ه	■	ن	ر	م	■	ن	ش	ا	س	ت	ه

سودوکو سخت ۴۴۲۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

								۴
		۷						
		۹			۷	۶	۱	
	۷	۲	۳				۴	
۳			۷		۸			۱
	۱				۵	۳	۶	
	۲	۱	۶			۵		
						۱		
	۹		۱	۵			۷	

سودوکو ساده ۴۴۲۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۱		۳			
	۵	۳			۴		۸	
۱							۹	
		۸	۷		۵		۱	۹
۷	۱			۲			۶	۳
۴	۶		۳		۸	۵		
	۳							۸
	۴		۹			۶	۵	
			۲		۷			